



۲۰۱۷/۰۷/۱۳



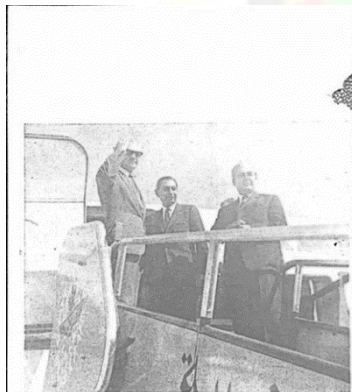
عبدالباری جمال

آب هلمند و صدر اعظم ایران

مرحوم سید قاسم رشتیا که از خاندان جلیل سادات کابل و یکی از چهره های پر نفوذ و کار آمد دهه دیموکراسی بود، در خاطرات سیاسی خود بعضی واقعات را ذکر نموده اند، که امروز با مرور این خاطرات بی اختیار به روح و روانش دعا میکنم.

در سال ۱۹۶۱ میلادی بنابر عواملی مناسبات سیاسی بین افغانستان و پاکستان قطع گردید شاه ایران تلاش نمود تا با وساطت خویش به رفع کدورت بین دو کشور همسایه بپردازد و به این منظور بین کابل و اسلام آباد چندین سفر نمودند تا بالاخره در سال ۱۹۶۳ موفق به حل اختلافات بین دو کشور گردید.

برای امضاء معاهده دوستی و از سرگیری مناسبات سیاسی بین افغانستان و پاکستان مراسم خاصی در تهران آماده گردید. از جانب افغانستان نور احمد اعتمادی وزیر خارجه و سید قاسم رشتیا وزیر اطلاعات و کلتور در



دوره ووتو و د پاکستان صدر د افغانستان وزیر اعظم او د ایران پانیا

رأس هیئت و از جانب پاکستان هیئت آن کشور به ریاست ذوالفقار علی بوتو وزیر خارجه آن کشور به تهران مواصلت نمودند. سید قاسم رشتیا جریان این مذاکرات و مراسم امضاء این معاهده را به تفصیل در خاطرات سیاسی خود شرح نموده است که در گوشه از این خاطرات چنین می خوانیم:

"بنابر آن من با تبسم که علامت رضائیت بود به حضور شاهنشاه عرض کردم که نظر به عوامل دوستی و برادری که بین اعلیحضرت پادشاه افغانستان و اعلیحضرت شاهنشاه ایران موجود است، هیئت افغانستان به مقصد رسیدن به موافقه نظر خیر خواهانه اعلیحضرت را در مورد ترتیب جمله می پذیرد".

البته با این اظهار قاطع من برای آقای بوتو گنجایش مداخله دیگری باقی نمانده بود و شاهنشاه هم بدون مراجعه به هیئت پاکستان توافق هر دو جانب را در باره متن اعلامیه، اعلام و مسرت خود را از انجام موفقانه مذاکرات ابراز داشتند که طرفین با کلمات امتنانه از آن استقبال نمودیم و قرار شد بعد از ظهر همان روز اعلامیه امضاء و نشر گردد. چنانچه اعلامیه به ساعت سه بعد از ظهر ۲۷ می ۱۹۶۳ (۶ جوزای ۱۳۴۲) در تالار وزارت خارجه در حضور آقای آرام و نمایندگان مطبوعات بین المللی بین ما به امضاء رسید و آقای آرام به نمایندگی حکومت ایران و در حقیقت به حیث شاهد در آن امضاء نموده و بیانیه های مختصری بین آقای بوتو و من، مبنی

بر اظهار مسرت از تجدید مناسبات و ابراز امتنان از مساعی دوستانه و خیر اندیشانه شاهنشاه مبادله گردید. یک ساعت بعد برایم در رادیو تلویزیون تهران وقت صحبت داده بود. مدت پانزده دقیقه بدون تکلف در اطراف استقرار مجدد مناسبات بین افغانستان و پاکستان به مساعی جمیله اعلیحضرت شاهنشاه ایران و علایق تاریخی و نژادی و فرهنگی دو ملت همسایه و برادر و سپس راجع به اوضاع افغانستان و تحولات اخیر که در کشور ما رونما گردیده صحبت نمودم که به قرار اظهار افغان های خود ما، مورد دلچسپی مردم قرار گرفته بود.

عصر همین روز (۶ جوزا) مراسم سالگرد جشن استقلال افغانستان، در سفارت افغانی دایر گردیده بود که در آن تمام رجال رسمی و شخصیت های سیاسی و فرهنگی ایران و کور دیپلوماتیک اشتراک داشتند و همه از ما با گرمی خاص پذیرائی نمودند و هریک از موفقیت مذاکرات تبریک گفتند. خصوصاً وقتی که آقای بوتو و هیئت معیتی او با سفیر و اعضای سفارت پاکستان وارد محفل گردیدند هیجان به حد اعلی خود رسید. آقای بوتو و من برای بار اول بغل کشی و رو بوسی نمودیم و در حقیقت مراسم آشتی در همین مجلس صورت گرفت.

آقای اسدالله علم صدراعظم ایران که همان ساعت از سفر ولایات خراسان و سیستان آمده بود، مستقیماً به محفل اشتراک نموده امضای اعلامیه را به هر دو هیئت تبریک گفته. در همین مجلس با رجال تاریخی ایران از قبیل سید ضیاء الدین طباطبائی رئیس جمهوری کوتاه مدت قبل از رضاشاه و سید حسین تقی زاده نویسنده و مرد سیاسی مشهور و سابقه دار ایران که با چوکی عرابه دار حرکت می کرد، فرصت شناسائی حاصل گردید.

در ختم مجلس آقای علم خواهش کرد تا پیام خصوصی را از طرف او به صدراعظم افغانستان برسانم، بنابر آن هر دو داخل عمارت شدیم، آقای علم گفت همین ساعت من از علاقه زابل که متصل سرحد افغانستان است باز می گردم. مردم از کمی آب دریا، دچار مشکلات می باشند، چه می شود اگر دولت افغانستان در این فضای صمیمیت که بین دو کشور برادر و زمامداران عالی مقام ما وجود دارد، سهمیه آب هیرمند را از ۲۸ متر مکعب در ثانیه که قبلاً موافقه نموده بودند به (۳۰) متر مکعب در ثانیه برسانند، شما لطفاً این خواهش را از طرف من به طور خصوصی به جناب آقای نخست وزیر افغانستان ابلاغ و خود شما هم در زمینه مساعدت فرمائید.

به جواب شان گفتم که البته پیام و خواهش شانرا به صدراعظم افغانستان تقدیم خواهم کرد و لیکن تاجائیکه به افزایش مقدار سهمیه ایران از آب هیرمند مربوط است قبلاً در دو نوبت دولت افغانستان برای اثبات حسن نیت خود، یک متر مکعب به مقدار تعیین شده از طرف کمیسیون بی طرف (که ۲۶ متر مکعب بود) افزود که جمله ۲۸ متر مکعب می شود. اما دولت ایران آنرا قبول نکرده بود. گمان میکنم از همان مقدار اضافه تر گنجایش نداشته باشد.

آقای علم لحن خود را تغییر داد گفت، شما میدانید من از اهل خراسان و جد اعلام میر علم خان قائینی در زمان احمد شاه درانی تیول بزرگی را که شامل هشتاد ده (قریه) بود، در ازای خدمت از پادشاه افغانستان دریافت کرده بود. بعد با زهر خندی علاوه کرد: " اکنون اعلیحضرت شاهنشاه در ضمن اصلاحات ارضی به جز یک ده باقی همه را از ما گرفتند ". مقصدم این است که من خراسانی و مانند اجدادم دوست افغانستان و افغان ها می باشم. خواهش من هم که محض به روی همین علاقمندی به نزدیکی دو ملت برادر بعمل آمده است یقین دارم طرف توجه مقامات دولت افغانستان قرار خواهد گرفت.

من از این گفتگو چنین نتیجه گیری نمودم که گویا دولت ایران بلا فاصله (بل Bill) خود را برای میانجیگری بین افغانستان و پاکستان به ما پیش کرده است. مگر موضوع در آن وقت بجائی نرسید.